

## در درچه

به مناسبت ولادت امام هفتم شیعیان، امام کاظم (ع)

### فرورنده خشم، بخشنده مردم

امروز مصادف است باتولد امام هفتم شیعیان، امام موسی بن جعفر (ع).ایشان در بیستم ذی الحجه سال ۱۲۸ هجری قمری، به دنیا آمدند و ۳۵ سال امامت‌شان هم‌زمان بود با خلافت منصور، هادی، مهدی و هارون عباسی. همچنین از القاب معروف ایشان، «کاظم» است. اصل لغت «کَظَم» در زبان عربی به معنی بیرون آمدن نفس است و اعراب به کسی که نفس خود را حبس می‌کند، «کَظوم» می‌گویند. این مفهوم در واقع کنایه از فرو خوردن خشم و غضب است و «کاظم» نیز به همین معنا اشاره دارد. به گزارش سایت حوزه، از دیگر القاب آن حضرت «عالم»، «صالح»، «صابر»، «باب الحوائج» و «امین» نیز بوده‌است.

#### وضعیت سیاسی در آغاز امامت

امام موسی کاظم (ع) ۲۰ سال از دوران زندگی پدر بزرگوارشان، امام صادق (ع) را درک کردند و پس از شهادت امام صادق (ع) به دست منصور عباسی، امامت شیعیان را عهده‌دار شدند. در آن زمان امام کاظم (ع)، جوانی ۲۰ ساله بودند و خلیفه عباسی نیز، منصور بود. منصور معروف بود به انسانی کینه‌توز و از دشمنان سرسخت شیعیان و آل علی (ع). در مجموع دورانی که امام کاظم (ع) در آن زندگی کردند، مصادف بود با نخستین مرحله استبداد و ستمگری حکام عباسی. البته اعمال فشار عباسیان از زمانی پیشتر آغاز شده بود اما قبل از اوج گرفتن این ستمگری، امام صادق (ع) توانسته بودند با تربیت شاگردان فراوان، بنیه علمی شیعه را تقویت کنند و جنبشی عظیم در میان شیعه پدید آورند. بعد از ایشان، فرزندشان، امام موسی کاظم (ع) بر آن شدند تا این حرکت علمی را حفظ و برای توازن و تعادل آن در میان شیعیان اقدام کنند.

#### مناظرات علمی امام

یکی از روش‌های مبارزه امام موسی کاظم (ع) علیه کج‌روی‌ها و حفظ حرکت عظیم پدر بزرگوارشان در مسیر صحیح، مناظرات و گفت‌وگوهایی بود که ایشان با برخی از خلفای عباسی و دانشمندان یهودی و مسیحی انجام می‌دادند. به عنوان مثال امام کاظم (ع) با خلیفه عباسی، مهدی، مناظره‌هایی درباره فک و نیز حرمت خمر (حرام بودن شراب‌خواری) انجام داده است. ایشان همچنین با هارون عباسی نیز مناظراتی داشته که از جمله معروف‌ترین‌شان مباحثه‌ای است درباره فریب هارون مبنی بر نزدیک دانستن خود به پیامبر اکرم (ص). گفت‌وگوهای امام کاظم (ع) با عالمان ادیان دیگر نیز معمولاً در پاسخ به پرسش‌های آنان صورت می‌گرفت که غالباً در پایان به گرویدن آنان به اسلام منجر می‌شد.

#### کظم غیظ امام (ع)

مردی از اولاد خلیفه دوم در مدینه می‌زیست که امام کاظم (ع) را آزار می‌داد و گاهی به ایشان با دشنام، توهین می‌کرد. برخی از یاران امام کاظم (ع) پیشنهاد می‌کردند که او را تادیب کنند اما امام شدیداً ایشان را از این کار باز می‌داشت. روزی امام کاظم (ع) بر مرکب سوار شده و به مزرعه آن مرد رفتند و او را در مزرعه یافتند و چون کنار او رسیدند، از مرکب پیاده شدند و با گشاده‌رویی و بزرگواری از او پرسیدند: «چقدر برای این مزرعه خرج کرده‌ای؟» گفت: «صد دینار.» فرمود: «چقدر امید سود داری؟» گفت: «غیب نمی‌دانم.» فرمود: «گفتم چقدر امیدوار هستی؟» گفت: «امید ۲۰۰ دینار سود دارم.» حضرت ۳۰۰ دینار به او مرحمت کردند و فرمودند: «زراعت هم از آن خودت، خدا به تو آنچه به آن امید داری خواهد رساند.» آن شخص برخاست و سر آن امام گرامی را بوسید و از او خواست که از گناهان و جسارت‌هایش درگذرد. امام تبسمی فرمودند و بازگشتند. روز بعد، آن مرد در مسجد نشست به‌گونه که امام کاظم (ع) وارد شدند. آن مرد ناگاهش به امام افتاد، گفت: «الله اعلم حیث یجعل رسالته» (خدا بهتر می‌داند که رسالت خویش را به چه کسانی بدهد).

#### شهادت

بر اساس اسناد و روایات، خلفای عباسی چندین بار امام کاظم (ع) را به زندان افکندند. در نهایت ایشان دو بار نیز به دست هارون به زندان افتاد که مرتبه دوم آن، (از سال ۱۷۹ تا ۱۸۳ ه‍. ق.)، چهار سال به طول انجامید. یکی از صحنه‌های درناک تاریخ‌زندگانی امام هفتم (ع)، درغل و زنجیرکردن ایشان در زندان هارون برای مدتی طولانی است. این روایات ممکن است جای سوالی برای عده‌ای به وجود بیاورد که چرا امام (ع) را زندانی می‌کردند و برخورد بسیار زشت و خشن، با ایشان داشتند؟ در پاسخ به این سوال باید گفت دلایل مختلفی در مورد اسارت امام کاظم (ع) گزارش شده است که وجه مشترک آن هراس خلفای عباسی، از جمله هارون، در مطرح شدن امام (ع) در جامعه بود. پیشوایی در زندان که مورد شکنجه و اهانت قرار می‌گرفت طبیعتاً می‌توانست مردم را تحت تأثیر قرار بدهد تا هم از پیوستن به ایشان بترسند و هم اینکه اطرافیان‌شان را از پیروی از امام پرهیز دهند. روایت کرده‌اند وضعیت زندان‌های عباسی بسیار وخیم بود. همین امر موجب شده بود امام (ع) از زندان نامه‌ای برای هارون الرشید بدین مضمون بفرستد: «هیچ روزی بر من با تمام دشواری‌هایی‌گذرد که هم‌زمان تو همان روز را با عیش و عشرت سپری می‌کنی. اما سرانجام روزی، روزگار من و تو به پایان می‌رسد و می‌رسیم به روزی که تبهکار زیان خواهند کرد.» امام کاظم«ع» در پایان نیز به دستور هارون عباسی در زندان مسموم وبه شهادت رسیدند. بارگاه مطهر ایشان در شهر کاظمین، وعده‌گاه شیفتگان و عاشقان اهل بیت (ع) است.



### بزرگداشت چهلمین روز عروج شهدای خدمت

# فیلمی از اشک‌های رئیس جمهوری که پخش نشد!

« نگاهی به زندگی مجاهدانه حجت‌الاسلام شهید سیدابراهیم رئیسی

📄 **شهرودنا** | ظهر سی‌امین روز از اردیبهشت بود که زمان برای مدتی ایستاد. حجت‌الاسلام سیدابراهیم رئیسی، هشتمین رئیس‌جمهوری اسلامی ایران

عصر یکشنبه ۳۰ اردیبهشت ۱۴۰۳ به همراه تعدادی از همراهان در مسیر بازگشت از مراسم افتتاح سد «قیز قلعه‌سی» به سمت تبریز، در منطقه ورزقان استان آذربایجان شرقی دچار سانحه هوایی شد و با همراهان خود به شهادت رسید. ۲۹ خرداد، محمد مخبر، سرپرست ریاست‌جمهوری، طی حکمی محمدمهدی اسماعیلی را به ریاست ستاد برگزاری اربعین شهدای خدمت منصوب کرد. طبق اعلام این ستاد ، مراسم چهل‌ شهید رئیسی و همراهان او ۷ تیرماه در مصلاای امام خمینی (ره) در تهران و همه شهرستان‌ها، مراکز استان‌ها و حتی روستاها توسط مردم برگزار خواهد شد. در این ستاد البته عنوان شد مراسم چهل‌م از میدا زمانی تدفین شهید خدمت در مشهد مقدس نیز دوازدهم تیر برگزار خواهد شد. به همین مناسبت و در ایامی که به چهل‌م رئیس‌جمهوری شهید کشور نزدیک می‌شویم، مروری داریم بر برش‌هایی از زندگی مجاهدانه شهید حجت‌الاسلام سیدابراهیم رئیسی؛ این روایت‌ها مستند هستند به خبرگزاری‌های «مهر»، «فارس»، «تسنیم»، «ایرنا»، «راسخوان»، «پایگاه اطلاع‌رسانی دولت» و کتاب «سید محرومین» که توسط اندیشکده «سعداء» منتشر شده است.

#### برخورد باخلخالی!

راوی‌کتاب«سیدمحرومین»

از طرف آقای خلخالی حکم داشتند تا با قاچاق موادمخدر مبارزه کنند. سلاح داشتند و به هیچ قانون و رویه‌ای اهمیت نمی‌دادند. تحت عنوان دادگاه ویژه مبارزه با موادمخدر، جاده را می‌بستند، خودروها را می‌گشتند و هر کس را که می‌خواستند دستگیر و گاهی اوقات اجرای حکم می‌کردند. تعدادی از مسئولان نیز از آنها حمایت می‌کردند، اما سیدابراهیم جوان بر سر قانون با کسی تعارف نداشت. رفت خدمت‌آیت‌الله قدوسی برای شکایت. ایشان گفت که این مسئله در جاهای دیگر کشور هم به وجود آمده و قرار است با امام مطرح کند. سیدابراهیم اما گفت که قضیه کرج را شخصاً حل خواهد کرد. به محل تجمع آنها رفت و اسلحه‌شان را ضبط کرد و افراد مختلف را تحویل دادگاه انقلاب داد. آقای خلخالی زنگ زد برای بازخواست. پرسید: «شما اقدام کردید به گرفتن اعضای این دفتر؟» سیدابراهیم گفت: «بله!» خلخالی باعصبانیت جواب داد: «بالاخر از تو هم نمی‌تواند این کار را انجام بدهد.» سیدابراهیم با صدایی مطمئن و آرام گفت: «من این کار را کردم و شد! به بالاتر از ما هم سلام برسانید! اگر در کرج، من مسئول هستم، نمی‌گذارم کار غیرقانونی انجام شود.» این حرکت، شاید اولین مقابله جدی با اقدامات خودسرانه در کشور بود.

#### محتوای نامه‌های مردم در حرم امام رضا (ع)

روایت جمیله علم‌الهدی، همسر شهید رئیسی

ایشان در ایامی که در آستان قدس بود، خیلی در زمینه بیکاری مراجعه داشتند. اکثریت نامه‌هایی که مردم در ضریح امام رضا (ع) انداخته بودند، درخواست کار بود. حاجات‌شان شاغل شدن بود. این بود که اصلی‌ترین برنامه خود را کار و اشتغال انتخاب کردند. در بحث کرامت هم دلیل این است که ایشان به کرامت مردم خیلی اهمیت می‌دادند. یک حداقل وجود دارد به نام حق و حقوق، اما کرامت یعنی خیلی بالاتر از حقوق مردم. اگر می‌خواهیم با خارج ارتباط برقرار کنیم، بر اساس کرامت باشد نه ذلت. اگر می‌خواهیم برای مردم شغل ایجاد کنیم، شغل باکرامتی ایجاد کنیم، شاید یک پدروقتی به‌خانه می‌رود از گرسنه بودنش رنج نبرد، اما شرمندگی او مقابل فرزندان‌ش از اینکه نتواند خواسته‌های آنها را برآورده‌کند، خیلی سخت‌تر است.

#### رد کردن خانه جمشید آموزگار

راوی‌کتاب«سیدمحرومین»

به سیدابراهیم پیشنهاد دادند خانه راننده جمشید آموزگار (نخست‌وزیر اسبق شاه) همراه با بخشی از باغش را که حدود ۸۰۰ متر بود، باقیمت ارزان بخرد ولی قبول نکرد. معتقد بود مردم انقلاب نکرندند که مدیران‌شان بروند در خانه‌های اشرافی زندگی کنند. جالب اینجاست شهید رئیسی در آن زمان مستاجر بود و درواقع با وجود اینکه خانه‌ای نداشت، این پیشنهاد را رد کرد. بعدها هم که توانست در قم خانه‌ای بخرد، نصف هزینه را قرض کرده بود و تا مدت‌ها در حال باز پس دادن آن قرض بود؛ آن هم زمانی که تبدیل به یکی از چهره‌های شناخته‌شده قوه قضائیه شده بود.

#### هیچ روزنامه‌ای نباید توقیف شود

روایت محمدمهدی اسماعیلی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی

آیت‌الله رئیسی واقعا محفل گرمی

داشتند. حتی وقتی می‌خواستند فردی

را توبیخ کنند، در لفافه و کلمات مزاح‌گونه مطرح می‌کردند. همیشه در اتاق آقای رئیس‌جمهوری تلویزیون روشن بود و اخبار را با دقت دنبال می‌کردند. نسبت به رسانه‌ها دقت بالایی داشتند، گاهی پیش می‌آمد که فرصت نکرده بودم روزنامه‌ای را بخوانم ولی ایشان زنگ می‌زدند و می‌گفتند چرا فلان روزنامه که چنین تیتری زده است، مسئله مورد اشاره در تیتر برای آنها تبیین نشده است؟ همین امر موجب شده بود روزنامه‌هایی با شمارگانی محدود هم مورد توجه مآقرار گیرد. آقای رئیس‌جمهوری تاکید داشتند هیچ‌یک از روزنامه‌ها توقیف نشود و باورشان این بود که یا نقدشان به دلیل اطلاعات نادرست است یا نقدشان را وارد می‌دانستند. بارها شده بود مطرح می‌کردند که نقد روزنامه‌ای درست است و باید به آن توجه شود.

#### فیلمی از اشک‌های رئیس‌جمهوری که پخش نشد!

به روایت گروه رسانه‌ای اعزامی ریاست جمهوری به سازمان ملل

در زمان سفر به نیویورک یکی از سوآلاتی که از رئیس‌جمهوری پرسیده شد، درباره احساس ایشان درباره حضور در سازمان ملل بود. در این لحظه اشک‌های شهید رئیسی جاری شد و گفت: «من کی باشم که نماینده این مردم باشم؟ من فقط به طلبه‌م نماینده چنین مردمی، شهدای آنها و شهید سلیمانی هستند.» پس از آن تصمیم گرفتیم تا این فیلم که نزدیک به ۱۰ دقیقه بغض و گریه شهید بود در زمان حیاتش منتشر نشود تا مبادا برخی آن را اغراق یا صحنه‌سازی تلقی کنند.

#### پاسخی که مسئول حفاظت رئیس‌جمهوری داد...

روایت محمدرضا باقری، مجری برنامه«جهان‌آرا»

در یکی از برنامه‌های تقدیرکه مجری آن بودم، یکی از مسئولان حفاظت به بنده گفت سریع‌تر اسامی را بخوان. حرفش را نادیده گرفتم و جواب دادم این موضوع وظیفه من است و این کار شما، مداخله به حساب می‌آید، اما مسئول حفاظت در جواب گفت به دلیل اینکه جناب رئیسی در سه جلسه پیش از این مراسم، زیر بسم رفته (و برای همین) ترجیح این است. همان لحظه بود که شوکه شدم. لحظه معرفی برگزیدگان به چهره‌ریس جمهوری‌که با دقت بیشتری نگاه می‌کردی، نفس و خستگی خودش را نشان می‌داد. در صورتی که خودش هیچگاه از خستگی‌هایش حرفی نمی‌زد.

#### تا جرمش ثابت نشده، اسمش را نبرید

روایت جمیله علم‌الهدی، همسر شهید رئیسی

ماجرای فسادی را که در ابتدای تولیت ایشان در آستان قدس رخ داد، آقای رئیسی به هیچکس نگفته بودند، درحالی‌که به شدت از آن رنج می‌بردند. با خودشان می‌گفتند چنین کاری را با اموال کافر حربی انجام نمی‌دهند؛ چطور فردی با اموال امام رضا (ع)، چنین کاری می‌کند؟ من گفتم این مورد را به مقام معظم رهبری اطلاع دهید. ایشان گفتند چرا باید خاطر ایشان را مکرر کنم. خودم مسئله را حل می‌کنم. به شخصه ققط می‌دانستم آن فرد مشکل دارد، اما داستان را دقیقاً نمی‌دانستم. ایشان هم از بیان داستان در رسانه‌ها خودداری می‌کردند تا اینکه از سوی رفقای همان فرد مطرح و پخش شد. اتفاقا در همان موقع هم برخی تماس گرفتند که ایشان را آزاد کنیم.

#### در زمان سفر به نیویورک

یکی از سوآلاتی که از

رئیس‌جمهوری پرسیده شد، درباره احساس

ایشان درباره حضور در

سازمان ملل بود. در این

لحظه اشک‌های شهید

رئیسی جاری شد و گفت:

«من کی باشم که نماینده

این مردم باشم؟ من فقط

به طلبه‌م نماینده چنین

مردمی، شهدای آنها و

شهید سلیمانی هستم.»

پس از آن تصمیم گرفتیم

تا این فیلم که نزدیک

به ۱۰ دقیقه بغض و گریه

شهید بود در زمان حیاتش

منتشر نشود تا مبادا برخی

آن را اغراق یا صحنه‌سازی

تلقی کنند

#### شکایتم رانزد امام رضا (ع) می‌برم

روایت محمد جمشیدی، معاون سیاسی ریاست

جمهوری دولت سیزدهم

ویژگی بارز شهید رئیسی این بود که تمام توان خود را برای خدمت به مردم صرف می‌کرد. هر بار از ایشان می‌خواستند استراحت کنند با مخالفت ریاست‌جمهوری مواجه می‌شدند، چراکه ایشان معتقد بودند کار خلق بر استراحت مسئولان ارجحیت دارد. تفاوتی نداشت در چه ساعات و تحت چه شرایطی برای پیگیری مسائل تلاش کنند. همین ویژگی بوده که باعث شد رهبری عنوان خستگی‌ناپذیر را به ایشان بدهند. در یکی از سفرها، طی ۴۸ ساعت به ۳ کشور آفریقایی سفر کردیم و توافقات بسیار مهمی هم امضا شد. در انتهای سفر با مناطق صعب‌العبوری مواجه شدیم که بسیاری از مسئولان با چنین فشار کاری دیگر قادر به پیمودن ادامه مسیر نبودند، اما شهید رئیسی همچنان جلوتر از تمام نیروها، محافظان و مسئولان در حرکت بودند. روزی خدمت ایشان درباره حواشی سیاسی عرض کردم کاش سکوت نکنید تا علیه شما و کابینه‌تان چنین نظراتی نگویند. ایشان در پاسخ گفتند: «تو از برخی مسائل مطلعی و بخشی دیگر را حتی توهم نمی‌دانی، اما من کُله و شکایت‌هایم را تنها نزد امام رضا (ع) می‌برم. ان‌شاء‌الله که خود حضرت هم به من عنایت کنند. این امر نشان می‌دهد که از سوویی ایشان دل‌داده ولایت بود و از سوویی دیگر توکل و توسل فراوانی به ائمه داشت... ایشان همواره بر این اصل که سرباز امام خامنه‌ای هستند، تاکید داشتند. حتی نمی‌گفتند رهبر انقلاب، همیشه از عنوان امام خامنه‌ای استفاده می‌کردند.

